

مسکن مهر یا خانه‌های بی مهری



زهره محمودی

داستان از آنجا آغاز شد که می‌خواستند ما را صاحب خانه کنند. ما هم پول زیادی نداشتیم. گفتند ثبت نام کنید و ثابت کنید بیچاره‌اید. سخت نبود اثباتش. بعد هم پولی خواستند که از توان ما خارج بود. اما قرض کردن در آن شرایط غیرممکن نبود. یک میلیون وام بعد هم اقساط. زندگی کمی سخت شد، اما ارزش داشت. اگر حداقل سه سال صبر می‌کردیم صاحب خانه می‌شدیم. یک سال گذشت. دوباره پول خواستند. دوباره قرض، دوباره قسط. دوباره فشار. سه باره پول خواستند. سه باره قرض، سه باره قسط، سه باره فشار... سه سال گذشت. گفتند اگر پولتان را می‌خواهید دوپست تومان کم می‌کنیم و به‌شمار می‌گردانیم. ارزش نداشت. بان پول دیگر هیچ چیز نمی‌شد خریدار. پولی که قول آنها را باور نکرده بودند و اطراف تهران یا همان پول خانه خریده بودند حالا در خانه‌هایشان زندگی می‌کردند. با اجاره

داده بودند. به عبارتی سرمایه‌شان به نرخ روز بود. اما پول مایه ارزش شده بود. صبر کردیم. نه به این دلیل که صبور بودیم بلکه چاره‌ای نداشتیم. پیامک‌هایی می‌آمد که دوباره پول بیاورید و گرنه آپارتمان شما را به کسی دیگر می‌دهیم. در این چند سال نقشه‌هایی را به‌مانشان داده بودند که شبیه خانه بود. ما هم باور کرده بودیم آن خانه‌های مجازی را که در مکانی مجازی قرار داشتند. نمی‌خواستیم آن را از دست بدهیم. دوباره قرض، دوباره قسط، دوباره فشار، دوباره تهدید، دوباره... بالاخره در بیابانی اطراف تهران اسکلتی را نشان دادند و جایی مفروض در آن را که احتمالاً صاحبش خواهیم شد. و ما با آن رویا فشارها را تحمل کردیم. دوباره قرض، دوباره قسط، دوباره فشار. تکرار شد. بارها و بارها. هر چه داشتیم فروختیم... که قول آنها را باور نکرده بودند و اطراف تهران یا همان پول خانه خریده بودند حالا در خانه‌هایشان زندگی می‌کردند. با اجاره

را تحویل می‌دهند. پول ثبت دادم. طبق معمول آن مبلغ تعرفه را لایذ گزاران تان به‌اداره ثبت خورده‌است و داستان را می‌دانید. اما بانک مسکن بزرگوار می‌کرد. در اندازه اقساط بزرگوار بود. و به‌کمتر از دو ضامن، و گرو گذاشتن سفته و چک، و بر گه‌ی اشتغال خودم رضی نشد. بالاخره وام را با هزار امضا و ادا و اطوار داد. فردای همان روز بود اولین قسطش. نه صد و پنجاه هزار تومان که قول داده بودند. نزدیک چهار صد هزار تومان. دیگر توان پرداخت اجاره در تهران را نداشتیم. به شرکت عمران شهر جدید پردرد بر گشتیم و درخواست کردم اضافه‌وار بزی راپس دهند تا بان کثافت‌های آپارتمان را تمیز کنیم و تجهیز کنیم و ساکن آن بیابان شوم. وعده دادند. و دوباره وعده. سالی دیگر هم گذشت. سخت گذشت. مجبور شدم آپارتمانی را که خانم آن طرف خیابانی نتوانستند کثافت‌هایش را پاک کنند اجاره دهیم. به هم‌کارش که البته سفارش شده بود. تله‌ای برای متقاضیان مسکن مهر. که مهربانی را کامل کنند. یک سال شورای حل اختلاف. تا آنجا راپس بگیریم. بالاخره بعد از آن که هزار بار رفتیم آمدیم و مدرک بردم و هر مدرک را هزار بار «برابر اصل» کردم و برای هر کدام هزینه جداگانه پرداختم و هر بار تا آن شهر جدید رفتیم و هر بار به جای قضاوت دادخواهی مرا محاکمه کردند. که اشتباه کرده‌ام... سرانجام آن کثافت‌خانه را تحویل گرفتیم. دیگر و قاعده‌ی پولی نداشتیم. صاحب خانه‌ام در تهران جوابم کرده بود. به دادخواهی رفتیم. به مطالبه پول باقی‌مانده در عمران شهر جدید پردرد. همان که پول‌ها را اقسامت می‌کردند. پولی آقای قسمت کننده گفت نه تنها پولی

نمی‌دهیم که باید باز هم پرداخت کنید. باورم نمی‌شد. به قسمت دیگری رفتم شاید «آقا قسمت کننده» منصف‌تری باشد. همان که سفره‌رامی اندازد و نان را قسمت می‌کند و پستی را قسمت می‌کند و بی‌غمی را قسمت می‌کند و شربت سیاه سفره را قسمت می‌کند هزاران قسمت کننده در آن اداره بود. رئیس آنها گفت هیچ ربطی به مسکن مهر ندارد. گفت دیگر کارش تمام شده. به اندازه کافی به هم‌وطن‌هایش مهرورزیده. لابد خودش هم خانه دارد. هم چند خانه فروخته‌است. پرسران پرسران نزد بزرگترین قضاوت‌گروشان در تهران رفتم. گفتیم شاید بشارتی بشنوم از او. شنیدم. آقای بشارت‌دهنده گفت برو به آقای قسمت کننده بگو پولت را بدهد. دوباره به شهرک جدید بر گشتیم. آقای قسمت کننده خندید. پولم را که نداد. هیچ تهدید کردیم. پول خواهد گرفت. سیر نمی‌شدند آن هزار قسمت کننده. دوباره نزد آقای بشارت‌دهنده رفتم. هر بار یک روز طول می‌کشید تا به دیدارشان نائل شوم. آقای بشارت‌دهنده گفت نزد رئیسشان برو. رئیس عمران را می‌گفت. همان آقای هم‌وطن دوست. می‌شناسختمش. رئیس دفترش را می‌شناسختم. مردی مهربان و زبرک. هرگز نمی‌گذاشت کسی از آن دژ عبور کند و رئیس را ببیند. آن چنان توضیحات و استدالات تحویل می‌داد که به پای خودت بر می‌گشتی. این بار مردی دیگر هم بود با استدلال‌های چوبینه گفت هیچ پولی در هیچ حسابی نیست. گفتیم

داستان از آنجا آغاز شد که می‌خواستند ما را صاحب خانه کنند. ما هم پول زیادی نداشتیم. گفتند ثبت نام کنید و ثابت کنید بیچاره‌اید. سخت نبود اثباتش. بعد هم پولی خواستند که از توان ما خارج بود. اما قرض کردن در آن شرایط غیرممکن نبود.

این همه کارمند برای چه. وقتی کاری نمی‌کنند چیزی ندارند قسمت کنند. گفت دارند. شکر خدا که دولت در حسابی جدا برای خودشان می‌آید که قسمت کنند بین خودشان. آقای استدلال چوبینه شکر کرد که حسابشان را دولت بر می‌کند تا بین خود قسمت کنند و گفت که ربطی به من و ما هم ندارد. نمی‌دانم از کدام دولت می‌گفت که ربطی به من نداشت. آیا حقوقش از دولتی دیگر می‌آمد! استدلال چوبینه‌اش در دلم ننشست. دوباره آن معاون برایم حرف زد. از سگ‌هایش گفت. از واحد مسکن مهری که گرفته و فروخته. خیال می‌کرد با درددل‌هایش احساس امنیت می‌کند. درست خیال کرده بود. خوشحال شدم از آن همه برادری و خوبیش. سرانجام به من توصیه کرد و واحدی مهم‌تر را بر فرستم و خلاص شوم. نمی‌دانست که من فقط یک واحد قسمتم شده بود و از پول دولت هم قسمتی ندارم. استدلال‌های چوبینه راهیج کدام از طلبکارهایم باور نمی‌کنند و فقط قسمت‌شان را می‌خواهند.

بازار مسکن در مسیر آرامش

اما روند فعلی بازار مسکن، اندک متقاضیان واقعی را به سمت آپارتمان‌های ارزان قیمت سوق داده و به همین دلیل در آبان ماه و آذرماه شاهد سرایت گرانی به مناطق جنوبی تهران بودیم. اما این روند نیز نمی‌تواند پایدار باشد؛ چرا که توجان طرف تقاضا در مناطق جنوبی به مراتب پایین‌تر از محله‌های شمال شهر است.

از سوی دیگر گفته می‌شود مقایسه شاخص اجاره بها با قیمت واحد مسکونی نشان می‌دهد که قیمت املاک به بالاترین حد خود طی ۲۲ سال اخیر رسیده و احتمالاً در نقطه اوج خود قرار دارد. بنابراین در ماه‌های آینده طبیعتاً شیب صعودی قیمت‌ها باید ملایم‌تر شود تا نهایتاً در مسیر مستقیم یا حتی نزولی قرار گیرد. تجربه سالهای بعد از ۱۳۹۱ که با نوسانات نرخ ارز مواجه بودیم وضعیت مشابهی را رقم زد. هر زمان با پرش قیمت دلار در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ قیمت مسکن شهر تهران نیز روند افزایشی به خود گرفت؛ به طوری که در زمستان ۱۳۹۱ شاخص رشد دلار ۱۱۱ درصد و شاخص رشد قیمت مسکن شهر تهران نسبت به زمان مشابه سال قبل از آن ۷۲ درصد ثبت شد. در همان زمان معاملات مسکن در بهمن ماه ۱۳۹۱ ۳۶ هزار فقره به اوج خود رسید. سپس روند نزولی به خود گرفت؛ به طوری که

نشانگرهای بازار مسکن شهر تهران حاکی از آن است که این بازار پس از آنکه ظرفیت خود را از دست داده در مسیر ثبات قیمت قرار گرفته و مالکانی که بدون وجود مشتری، نرخ‌های پیشنهاده‌ی را بالای می‌برند صرفاً به دنبال افزایش اسمی قیمت برای هماهنگی با انتظارات تورمی هستند.

به گزارش ایسنا، قیمت‌ها در بازار مسکن تهران در شرایطی به بالاترین حد خود یعنی ۹ میلیون و ۶۳۱ هزار تومان در آذرماه ۱۳۹۷ رسیده که معاملات افت ۶۴ درصدی را تجربه کرده‌است. با این حال سرعت رشد قیمت‌ها کاهش یافته و از هشت تا ۹ درصد ماهیانه به پنج درصد رسیده‌است. خروجی این روند، رکود شدید بازار مسکن را در پی خواهد داشت که احتمالاً برای ۱۰ تا ۱۲ فصل گریبان فعالان این بازار را می‌گیرد. برخی از بازندگان این جریان، دو گروه صاحبان واحدهای نوساز و سفته‌بازان هستند که به عنوان عامل ثانویه در جهش قیمت مسکن نقش ایفا کردند. این گروه که معمولاً با خرید چند واحد مسکونی به فعالیت در بازار ملک مشغولند دیگر نباید برای ۱۲ فصل روی بازدهی سرمایه خود حساب کنند و تنها با حفظ مسکن به عنوان دارایی ثابت، خود را در برابر اثرات تورمی مصون نگه می‌دارند.

متقاضیان کارت سوخت حتماً به سایت پست مراجعه کنند

طبق اعلام معاون فنی و بازرگانی شرکت ملی پست، با توجه به این که برخی کارت‌های سوخت در پست موجودند، افراد به سایت اصلی مراجعه کرده و حتماً از موجودیت کارت خود، زمان ارسال آن و سایر فرآیندها مطلع شوند. محمداحمدی اظهار کرد: طبق آمار، تعداد کارت‌های سوخت تحویل داده شده از شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، از سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۶ به مجموعه شرکت پست، حدود ۹۴۰ هزار است. این کارت‌ها ممکن است به دلیل این که طی سنوات گذشته، تغییراتی چون تغییر مالکان، تغییر نشانی افراد، ایجاد مسئله‌ای برای خود و هم‌چون

هم‌زمان با جشنواره و نمایشگاه ملی فولاد

رویداد ارائه

۶ تقاضای صنعتی در حوزه‌ی صنعت فولاد

همراه با جوایز ارزنده

از طرف شرکت فولاد مبارکه

Reverse Pitch

- کاهش میزان FeO سرباره در کوره قوس الکتریکی
- کاهش مصرف الکترود گرافیتی در کوره قوس الکتریکی
- حذف رطوبت از کانساتر آهن ورودی به آسیاب کندانس سازی
- استحصال مواد با ارزش از سرباره کوره قوس الکتریکی
- حذف شوره سطحی ورق کالور تیزه
- چاپ‌گرایی آلومینیوم در فرآیند اکسیرن زدایی در فولاد مذاب

مسائل فناوری شرکت‌های فولادی را بشنوید، فناوری مورد نیاز آن‌ها را توسعه دهید، فناوری یا محصول خود را به آن‌ها بفروشید و یک کسب‌وکار دانش‌بنیان، سودآور و درآمدزا بیافرینید.

اطلاع از نحوه ثبت‌نام:

۸۸۵-۹۴۷۳-۸۸۵-۹۴۷۳

www.ichallenge.ir

@ichallenge

ichallenge.ir

info@ichallenge.ir

company/ichallengeir/

زمان برگزاری: ۱۸ دی ماه ساعت: ۹ صبح

هیچ محدودیتی برای شرکت در این رویداد وجود ندارد. کارشناسان واحدهای صنعتی یا شرکت‌های کوچک و متوسط، دانشجویان و اعضای هیات علمی، پژوهشگران و فناوران و سایر افراد علاقمند، از سراسر کشور می‌توانند به‌طور رایگان در این رویداد شرکت کنند.